



بسم الله الرحمن الرحيم

بحث ما با توفیق پروردگار متعال در فصل دوازدهم کتاب صوم درباره‌ی طرق ثبوت هلال. چند طریق ذکر شد. طریق ششم که مورد بحث دیروز بود الثالث حکم حاکم؛ به حکم حاکم هلال ثابت می‌شود هلال رمضان، هلال شوال. عروه این طور ذکر کرده؟؟؟ کسی در این بحث ندارد و دلیلش را ذکر می‌کنیم اما آیت الله العظمی خویی (اعلی الله مقام) در حاشیه‌ی عروه انکار کرده گفته حکم حاکم تأثیری در ثبوت هلال ندارد. بعد هم ایشان در مستعد العروه شرح عروه است دلیل خود را ذکر کرده. دلیلشان این است که ما دلیلی بر ولایت فقیه نداریم گفته این مسأله ارتباط پیدا می‌کند با ولایت فقیه و دلیلی هم برای ولایت فقیه نداریم که جداً منکرند که دلیلی داشته باشیم بر این که فقیه ولایت دارد آن اندازه که مسلم است در امور حسبیه از قبیل اموال؟؟؟ و امثال آن‌ها اما فقیه ولایت داشته باشد در امور عامه‌ی مردم دخالت داشته باشد تأثیر داشته باشد در امور فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی در زندگی مردم نه دلیل ایشان می‌گویند ما نداریم و ادله‌ای که ذکر شده ایشان می‌گویند همه مخدوشند سناً و در بطناً علی سبیل؟؟ خلق؟؟ در ضمن کلامش به شیخ انصاری هم شیخ اعظم انصاری هم مثل ما ایشان در قائل به انکار ولایت فقیه این کلام ایشان بود. در این که ایشان منکر ولایت فقیه است التتقیح که درس ایشان است جلد اول التتقیح در آن جا هم باز دلایل بیشتری ذکر کرده که منکری برای ولایت فقیه است. ما در بحث ما دو تا بحث داریم یک بحث درباره‌ی ماه و ثبوت هلال است که صغرای این مسئله است تقریباً یک بحث کبرایی است که ولایت فقیه آیا دلیل چه است و داریم یا نداریم ما ناچاریم که در دو مورد بحث کنیم چون بحث ما در کتاب صوم است چون کتاب صوم دستور انکار ولایت فقیه را با این که فقهای ما دو تا بحث دارند یک بحث درباره‌ی کتاب صوم است فقهای ما از اول از زمان شیخ طوسی به این طرف که عرض می‌کنیم در این که به حکم حاکم ثابت می‌شود

هلال، چه هلال رمضان، چه هلال شوال این مطلب میان ما و عامه مسلم است که حکم حاکم تأثیر دارد در ثبوت هلال سیره‌ی مسلمانان بر همین است؟؟ حضرت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در این که چه زمانی ماه رمضان شروع می‌شود چه زمانی ماه شوال سراغ پیغمبر رفتند خب بعد از آن همین ادامه داشته دیگر خلفا و علما و همه‌ی این‌ها بالاخره این طور بوده که در صوم این یک بالاخره منشائی دارد که مردم خود به خود اول ماه چه زمانی است آخر ماه چه زمانی است می‌بینید که الان می‌بینیم یک صیغه‌ای است که استمرار داشته این استمرار داشته به این که مردم همیشه مواظب بودند که آن حاکمشان، ولیشان بالاخره چه می‌گویند و اینها حالا بگوییم اصلاً حکم حاکم و کان لکم؟؟ صوم برای مان این کار را بکنیم واقعاً یک مشی فقهی است یک مشی عجیبی است که؟؟ ادعای اجماع می‌کند؟؟ همین طور که به حکم حاکم ثابت می‌شود ما تمام این اقوال و اجماعات را تمام حرف های عامه و خاصه بگذاریم کنار که در طول تاریخ همه درباره‌ی صوم گفته اند که حاکم هم هلال رمضان هم هلال شوال ثابت بشود همه را بگذاریم کنار این یک مشی فقهی خاصی است که خلاصه ایشان دارند در خیلی جاها این‌جا مخصوصاً خیلی بیشتر روشن شد که ایشان این طور می‌گویند حالا ما ناچاریم که در دو باب بحث کنیم یک بحث در کتاب صوم الثبوت هلال به حکم حاکم در؟؟ بعد برویم سراغ کبری که ولایت فقیه یکی از؟؟ این مسأله است می‌گوییم چه دلیلی داریم برای ولایت فقیه. اگر خواهیم حق مطلب ادا بشود باید این طور بیان بشود. اما البحث در صغری. بحث در صغری که ما می‌خواهیم بگوییم که ما دلیل داریم که از زمان پیغمبر (صلی الله علیه و آله) تا زمان ما این طور نبوده که مردم در اول ماه رمضان یا اول شوال بله یک بینه‌ای گفتیم که قائل شد برای قائلین که اشکال ندارد لازم نیست؟؟ بین قائل شد دیگر هر کسی خودش هم دید می‌تواند اما این که حکم حاکم را به طور کلی غیر موثر بدانیم و مردم به آن اهمیت ندهند این یک مطلبی است که از زمان پیغمبر (صلی الله علیه و آله) این طور نبوده حالا ما ناچاریم که روایات خودمان را در نظر بگیریم بله. مثلاً در جواهر جلد ۱۷ صفحه‌ی ۳۲۱ که این بحث است که

فتوا با حکم خیلی فرق دارد فتوا این است که یک شخص مجتهدی با مراجعه به اخبار اهل بیت و قرآن و اینها میگوید خدا این طور گفته، پیغمبر این طور گفته مثلاً، ائمه این طور گفته اند دقیقاً دارد نقل می‌کند از آنها من آنچه دارم می‌گویم بجز لایجوز استنباط من است از قرآن و اخبار این می‌شود فتوا. حکم انشاع است می‌گوید حکمت بذلک حکم کردم به این چنان که قاضی حکم می‌کند قاضی وقتی که؟؟ شد قاضی یحکمت ذلک این فرض کن مورد دعوا است آن می‌گوید برای من است این می‌گوید برای من است. آن بینه دارد این هم بینه دارد. مثلاً این بینه‌ی داخل آن بینه‌ی خارج است قاضی مجتهد است بینه‌ی داخل را بر بینه‌ی خارج ترجیح بدهد یا بالعکس ولی بعد از این که اینها را؟؟ این است که حکم بگذارد حکم این است که فرض کن برای زید است نه برای آن. قاضی حکم می‌کند حکم با فتوا فرق دارد بعد از این که قاضی حکم کرد این پس می‌شود برای آن. حکم و فتوا فرقی را باید بدانیم در مانند فیهما ما حکم حکم می‌گوییم نه فتوا. حاکم بعد از این که میان شهادت و فلان و فلان علم خودش بالاخره می‌گوید حکمت به این که فردا عید است حکمت به این که؟؟؟ این حکم است. این است که حاکم عراقی می‌گوید که حکم کرد حاکم مجتهد هم باید قبول کند فرق بین حکم و فتوا این است فتوا اگر داد برای خودش و مقلدینش حجت است اما اگر حکم کرد کل کسانی که علم به خلاف و خطای این ندارند باید بپذیرند. چون می‌گوییم فَلَیْرَضُوا بِهِ حَکْمًا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ حَکْمًا دیگر وقتی حکم کرد. بله یک کسی علم به خطای آن داشته باشد آن بخشی از بحث است که بعدا بحث می‌کنیم. برای کل کسانی که اگر یک نفر گفت از فقها اول ماه است مجتهدین واجب است تبعیت کنند نه این که یک شخصی علم داشته باشد آن اشتباه کرد والا حکم حاکم برای همه واجب الاتباع است و همه باید اتباع بکنند. این جا؟؟ عراقی؟؟ وقتی حاکم حکم کرد من دون فرق حکم و مقلد بین مجتهد و مقلد هیچ فرقی نمی‌کند مجتهد و مقلد واجب است که قبول بکنند لحرمة رد علی جمیع (نامفهوم) این طور گفته.

خب مقصود ما از استشهاد به کلام محقق ضیاء الدین عراقی این است که ایشان ذکر می‌کند می‌خواهد بگوید به حکم حاکم هلال

ثابت می‌شود ما در مقابل آیت الله خوبی فعلاً داریم بحث می‌کنیم. از کلام علامه در خلاف استفاده کردیم از کلام ضیاء الدین و محقق هم در معتبر. چند تائیس را من نظر داشتم نوشتن. محقق در معتبر در جلد دوم معتبر، معتبر هم فقه مقارن است برای محقق مثل تذکره و النهایه، خلاف هم قول عامه قول ما اقوال آن اقوال ما، مدارکشان مدارک ما آن طوری بحث می‌کند معتبر نه مثل شرایع چون سه تا کتاب دارد محقق یکی مختصر النافع یک متن ریاض است یکی شرایع که متن جواهر است یکی هم معتبر است سه تا کتاب فقه از محقق در دست داریم. آن دو تا فقه امامیه است و اینها و اما این سومی فقه مقارن است. خب معتبر در جلد دوم کتاب صوم ص ۶۴۶ معتبر محقق جلد دوم کتاب صوم ص ۶۴۶ در مقام اثبات صحت نیت صوم فی یوم شک؟؟ عرض کرده ایشان گفته لما روی این خبر برای عامه است و ایشان به آن استناد کرده ما راه عامه را بعد عرض می‌کنیم حرف عامه را. گفته به این که در روز یوم الشک به قول حاکم ماه ثابت می‌شود لما روی ان الیلة شک اصبح ناس لیلة الشک بود و مردم نمی‌دانستند ماه رمضان داخل شده است یا نه و جاء اعرابیون شهد روایت هلال عربی آمد شهادت داد که من ماه را دیشب دیدم بنابراین اول ماه رمضان است ما خواندیم دیروز پیغمبر (صلی الله علیه و آله) سوال کرد (نامفهوم) کسی که چیزی نخورده یوم الشک است دیگر روزه بگیرد و من اکل؟؟ کسی هم که چیزی خورده باز از خوردن خودداری کند آن اولی‌ها روزه حساب می‌شود دومی باید قضایش را بگیرد بله پیغمبر فرمودند که؟؟؟ این در صحیفه بخاری، سنن ابی داود، سنن نصاری این حدیث از طریق عامه آدرسش را هم که در همان منبعی که گفتم صفحه اش و جلدش را نوشته و بالاخره شیخ طوسی در تهذیب در کتاب صوم در مسئله‌ی ثبوت هلال حرف عجیبی دارد ایشان می‌فرماید که اجماع و ضرورت است که از زمان پیغمبر تا زمان ما هلال را به حاکم مراجعه کند و تعرف شهود به حکم حاکم است از زمان پیغمبر تا زمان شیخ طوسی هم اجماع و هم ضرورت مسأله ببینید ثابت است نزد اینها که اجماع و ضرورت به این که در هلال مراجعه می‌شود به حاکم و مفهوم ثابت می‌شود صاحب جواهر هم در جلد ۱۷ صفحه ۲۲۲

می‌گوید؟؟ حالا کلام ما این است که در برابر این همه حرف‌ها ایشان بخواهند خیلی ساده حکم حاکم اثری در ثبوت هلال ندارد حالا روایتش را هم می‌خوانیم. آن اندازه که بنده رسیدم از اقوال این اندازه است ولی خب شما باید بیشتر تدبر کنید اقوال بیشتری به دست بیاورید با مراجعه به کتاب فقه که بالاخره یک بحثی که همیشه همین بحث است ولی جامع و کامل باشد و مطالعه زیاد بکنید تتبع زیاد بکنید فقه یک علم تقریباً منقول است. بنابراین ما به این دلایل خب می‌گوییم که حکم حاکم اثر دارد علاوه بر این ما روایاتی هم داریم روایات را ایشان تماشاً را نادیده گرفته اند و بعد ظاهراً صغروی است در این که به حکم حاکم هلال ثابت می‌شود. روایات این را در باب ۵۷ در دو جا؟؟ دارد باب ۵۷ از ابواب و یمسک عنهم الصائم باب ۵۷ از ابواب و یمسک عنهم الصائم جلد ۷ وسائل بیست جلدی صفحه ۹۴ خب، یک روایت زیادی است که می‌خوانیم البته اکثراً سنداً نیست اما مورد عمل است. محمد بن علی بن الحسین شیخ صدوق باسناده عن عیسی بن ابی منصور و ثابتة این دومی ثابت نیست انه؟؟ کنت عند ابی عبدالله (علیه السلام) پیش امام صادق (علیه السلام) بودند فی الیوم یشک فی روزی که شک بود که آیا عید فطر است عید فطر نیست و چه چیزی است؟ قال یا غلام امام صادق (علیه السلام) البته یک مقدار تقیه دارد قال یا غلام اذهب فانظر أ صامَ السُّلْطَانُ أَمْ لَا امام صادق به غلامش گفت برو ببین سلطان امام صادق با چند تا از سلاطین بنی عباس معاصر بوده اولی ابوالعباس؟؟ اولین خلیفه بنی عباس در این جا بخوانیم چند تا روایت اسم برده شده و تا می‌رسد به منصور، منصور آن حضرت را شهید کرده؟؟ پیش حضرت امام صادق (علیه السلام) بودیم در روز شک حضرت گفت یا غلام اذهب فانظر أ صامَ السُّلْطَانُ أَمْ لَا ببین سلطان روزه گرفته یا نه؟ فَذَهَبَ ثُمَّ عَادَ مَعْلُومٌ نَبُوْدَهْ كَهْ رَوْزِ عَیْدِ فِطْرِ اسْتِ یَا رَوْزِ آخِرِ مَاهِ رَمَضَانَ اسْتِ. خب امام صادق (علیه السلام) می‌خواهد به دست بیاورد که امروز روز عید فطر است یا روز آخر رمضان است گفت برو ببین سلطان اگر غذا می‌خورد بدانید که روز عید فطر است اگر نمی‌خورد روزه گرفته بدان که آخر رمضان است اذهب فانظر أ صامَ السُّلْطَانُ أَمْ لَا فَذَهَبَ ثُمَّ عَادَ مَعْلُومٌ

برگشت گفت نه سلطان روزه نیست فَقَالَ لَا فَذَعَا بِالْغَدَاءِ فَتَغَدَّيْنَا مَعَهُ حضرت گفتند صبحانه بیاورید صبحانه آوردیم امام صادق (علیه السلام) هم صبحانه خوردند. این روایت دلالت دارد به این که آن قدر تقلد بوده برای خوردن، برای اول ماه ثابت شدن، برای عید فطر ثابت شدن باید ببینیم سلطان چه می‌گوید اگر سلطان می‌خورد بدان که عید فطر است ما هم می‌خوریم والا نه. خب ممکن است تقیه باشد اما خب دو مطلب است تقیه در اصل رجوع به سلطان بله تقیه است که امام صادق بیاید تبعیت کند از سلطان این یک مطلبی. این تقیه است شکی نیست دوم این که تاثیر خوردن حاکم در این که عید فطر است نخوردنش در این است که آخر رمضان است خب این طوری این دیگر تقیه نبوده یعنی مرسوم بوده و متداول بوده که این طور بشود حالا این یکی تا برسیم به خبر بعد. خبر چهارم را ببینید حالا محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی عن محمد بن ابن نوح؟؟؟ عن رجل من السابغ بالاخره مرسل است از ابی عبدالله (علیه السلام) امام صادق انه قال بالحیله، حیله شهری بوده فی زمان ابی العباس در زمان ابی العباس که اولین خلیفه بنی عباس که به او می‌گفتند صفاح می‌گفتند صفاح هم به مناسبت این که از بنی امیه خیلی کشت و این‌ها از خیلی بنی امیه کشته اینها برای درست کردن سلطنت بنی عباس خب خیلی‌ها را کشتند دیگر به آن ابی العباس می‌گفتند بله. در زمان ابی العباس إِنِّي دَخَلْتُ عَلَيْهِ أَن رَجُلٌ مِی‌گوید به امام صادق وَقَدْ شَكَّ النَّاسُ فِي الصَّوْمِ وَهُوَ وَاللَّهِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ ولی خودش می‌گوید رمضان شک دارد فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ امام صادق (علیه السلام) قَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ اللَّهُ أَصُمْتُ الْيَوْمَ كَفْتُ كَهْ رَوْزَهْ كَرَفْتِي؟ فَقُلْتُ لَا وَالْمَائِدَةُ بَيْنَ يَدَيْهِ سَفْرَهْ جَلَوِيْ أَوْ بُوْدَ قَالَ فَادْنُ فَكُلْ بَا اَيْنَ كَهْ مِی‌گوید والله ماه رمضان بود امام صادق گفت بیا بخور فَذَنَوْتُ فَأَكَلْتُ قَالَ وَقُلْتُ الصَّوْمُ مَعَكَ وَالْفِطْرُ مَعَكَ مِنْ كَفْتُمْ كَهْ رَوْزَهْ بَا اَيْنَ بَكْرِیْمِ رَوْزِيْ كَهْ ابِي الْعَبَّاسِ صَفَّاحِ رَوْزَهْ مِی‌گیرد روزی هم که می‌خورد می‌خوریم فَقَالَ الرَّجُلُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) تُفْطِرُ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ ماه رمضان است فَقَالَ أَى وَاللَّهِ أَنْ أَفْطِرَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ يُضْرَبَ عُنُقِيْ اگر امام صادق (علیه السلام) روزه اش را نمی‌خورد

ابی العباس صفاح گفته بخورید به مردم اگر نمی خورد می کشتنش این است که می فرماید أَفْطِرَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ يُضْرَبَ عُنُقِي خُبِّ اَيْنَ چَند مَطْلَبِ يَكِي دَلَالَتِ دَارِدِ بَرِ تَقِيهِ يَ بَسِيَارِ شَدِيدِ يَكِي هَمِ دَلَالَتِ بَرِ اَيْنِ كِه مَرْدَمِ تَبَعِيَتِ بَايِدِ مِي كَرْدَنْدِ اَز سَلْطَانِ وَقْتِ، اَز حَاكِمِ وَقْتِ اَز اَبِي الْعَبَّاسِ چُونِ اَنِ كُفْتِه كِه مَاهِ رَمَضَانَ نِيَسْتِ عِيدِ فِطْرِ اَسْتِ بَايِدِ مَرْدَمِ بَخُورَنْدِ كَسِي نَمِي خُورْدِ كَرْدَنْشِ رَا مِي زَدَنْدِ بِالْاٰخِرِه دَلَالَتِ دَارِدِ بَرِ اَيْنِ كِه تَاثِيَرِ دَاشْتِه دَرِ نَظَرِ مَسْلَمَانَانِ اَنِ مَرْدَمِ حَاكِمِ خُبِّ خِيَلِي بَرَايِ مَا شَنِيْدَنْشِ سَنَكِيْنِ اَسْتِ كِه اِمَامِ صَادِقِ (عَلِيْهِ السَّلَامِ) اَيْنِ قَدْرِ دَرِ مَضِيْقِه وَ دَرِ تَقِيِه بَاشْدِ.

و الحمد لله رب العالمين اولاً و آخراً و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين